



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۸ / ۲۰
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»			
عنوان ۳	مطلب دوم: فضل و منزلت سوره حمد			
عنوان ۴	ادامه روایات باب			
عنوان ۵	مفاد روایات			
عنوان ۶	وجه انتشار اسم الله اعظم در سوره حمد (انواع تجلی) ➤ ۱. تجلی اسمائی ➤ ۲. تجلی آیاتی			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

بحث مادر فضیلت سوره حمد بود. در امر اول، اسماء سوره را بحث کردیم و در امر ثانی که مورد بحث جلسه پیشین و امروز است، فضیلت سوره حمد را بررسی می‌کنیم. چند روایت را در این رابطه، مطرح و بحث کردیم و امروز به ادامه بحث می‌پردازیم.

ادامه روایات باب

- روایت دیگری که درباره فضیلت سوره فاتحه، وارد شده روایتی است که مرحوم صدوق روایت می‌کند:
یاسناده عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : قال:

«اسمُ الله الأعظمُ مُقَطَّعٌ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ»؛

اسم اعظم الهی در این سوره حمد، که أم الكتاب هم نامیده می‌شود، به صورت بخش بخش، منتشر شده است. آیات و کلمات این سوره روی هم رفته، اسم الله اعظم را نشان می‌دهند.

- روایت مرحوم علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش است:
یاسناده عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

«إِنَّ إِبْلِيسَ أَنْ أَنِينَا لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ ﷺ عَلَىٰ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَحِينَ أَنْزَلْتُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۱

ابلیس دوبار نعره از روی خشم، فراداد؛ یک بار وقتی نبی اعظم صلی الله علیه و آله مبعوث شد و دیگری وقتی سوره حمد، نازل گردید؛ یعنی گویا این سوره به شکلی با اصل بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله برابری می کند.

مفاد روایات

از مجموع این روایاتی که خوانده شد، چند مطلب در رابطه با خصائص و فضیلت سوره حمد به دست می آید:

۱. سوره حمد از کنوز عرش و گنجینه های عرش الهی است، بل هی اشرف ما فی کنوز العرش؛ شریف ترین گنجینه های عرش الهی، سوره حمد است. در گنجینه های عرش الهی چه چیزی می تواند وجود داشته باشد؟ آن چیزهایی که خیر دنیا و آخرت بشر است. خیر الخیرها در گنجینه های عرش الهی، نگهداری می شود. اگر سوره حمد اشرف ما فی کنوز العرش باشد، معلوم می شود از همه خیرها خیرتر، این سوره حمد است و آنچه این متضمن آن است حالا شاید با اشاراتی که بعد می کنیم، راز این مطلب تا حدودی روشن می شود.

۲. خدای متعال رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تشریفی به وسیله سوره حمد بخشید که مخصوص آن حضرت است. شرفی به وسیله سوره حمد به رسول اکرم صلی الله علیه و آله بخشید که مخصوص آن حضرت است و هیچ موجودی از مخلوقات خدا و نه هیچ نبی، نه هیچ وصی و نه هیچ فردی به این شرف، نائل نیامد جز رسول اکرم صلی الله علیه و آله. إِنَّ اللَّهَ خَصَّ بِهَا مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله من بین جمیع خلقه حتی الأنبیاء.

۳. اسم الله اعظم در این سوره، پخش شده؛ یعنی آیات و کلمات این سوره روی هم رفته، متضمن اسم الله اعظم است که آن را توضیح می دهیم و وجهی را در شرح آن، عرض می کنیم.

۴. سنگینی این سوره بر ابلیس، به اندازه سنگینی اصل بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله است.

وجه انتشار اسم الله اعظم در سوره حمد (انواع تجلی)

ظاهر، این است که وقتی گفته می شود اسم الله اعظم، مراد، برترین تجلیات ذات اقدس حق متعال است. وقتی گفته می شود اسم الله اعظم نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله است، یعنی این تجلی اعظم برای او حاصل می شود؛ چون این اسم که گفته می شود، مراد از آن، تجلی الهی است.

۱. تجلی اسمائی

باید دانست که تجلی خدا به معنای ظهور الهی است و ظهور او به اسماء و آیات است که اسماء هم شامل همه صفات اقدس حق متعال می شود. وقتی می گوئیم «رب»، یک ظهور برای ماست یا وقتی «رحمان» می گوئیم، یک تجلی الهی برای ما محسوب می شود، اگر معنایش را بفهمیم و به آن توجه کنیم. «رحمان، رحیم، رب، خالق» و همه صفاتی که در «جوشن کبیر» آمده، همه به شکلی، متضمن این تجلیات الهی اند. اسمائی که در این دعای بسیار مهم به ما تعلیم داده شده و این فخر به ما ارزانی گردیده که ماییم که صاحبان جوشن کبیریم؛ یعنی ما شیعیان اهل بیت علیهم السلام به این افتخار، مفتخر گردیده ایم که تجلیات الهی در اسماء و صفات مذکور در این دعا در اختیار ما قرار گرفته است.

۱. تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۲۹. البته در عبارت درس معظم له «رَبَّنَّ زَيْنَا» بود.

این یک نوع تجلّی الهی است که تجلّی الهی در عالم اسماء است. اما ممکن است یک اسم که اسم «الله» باشد، برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله تجلّی اعظم محسوب شود؛ اما برای ما نباشد؛ یعنی این اسم را آن حضرت با کمال ظهورش و ظهور کاملش - یعنی با ظهور کامل متعال در اسم «الله» - می فهمد و می شناسد اما ما نتوانیم این را بشناسیم. در این صورت، اسم «الله» برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اسم اعظم می شود نه برای ما. آری، گاهی هم ممکن است همین کلمه «الله» برای کسی در یکی از احوال و یکی از شروط، تجلّی اعظم باشد. این یک نوع تجلّی الهی است که از آن به «تجلّی اسمائی» تعبیر می کنیم.

۲. تجلّی آیاتی

نوع دیگر تجلّی الهی «تجلّی آیاتی» است و من آیاته لیل، نهار، شمس، قمر، نجوم، عالم خلق، ارض، سماء، جبال، أشجار و أنهار، همه آیات الهی اند. همه مخلوقات الهی آیات الهی محسوب می شوند. آیات الهی علامت هایی هستند که ما را به یاد خدا می اندازند و به شکلی باز هم تجلّی ذات اقدس حق متعال هستند؛ منتها در عالم فعل.

این تجلّی آیاتی هم دو قسمت و دو شکل است و دو بخش تجلّی آیاتی داریم:

- تجلّی خدای متعال در آیات تکوینی، مثل همین شمس، قمر، جبال و نجوم. همه عالم خلق، تجلیات تکوینی الهی اند.
- ۲. تجلّی تشریعی که باز هم تجلیات الهی است و همه آیات قرآن، تجلیات الهی اند. تجلیات تشریعی هم بر دو قسم است:

➤ ۱. تجلّی تشریعی خدا در قرآن کریم: این تجلّی تشریعی کامل خداوند محسوب می شود.

➤ ۲. تجلّی تشریعی در خود وجود نبی اکرم صلی الله علیه و آله: خود وجود نبی اکرم صلی الله علیه و آله تجلّی تشریعی الهی است و ائمه هدی علیهم السلام نیز تجلیات تشریعی الهیه اند؛ یعنی به شکلی اسماء الهی اند؛ یعنی اطاعتشان واجب است همان سان که اطاعت خدا واجب است.

وجوب اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرف بسیار مهمی است؛ چون فرمانروایی مخصوص خداست و خداست که فرمانش واجب الإطاعة شمرده می شود نه دیگری؛ اما خدا این فرمان را به دست نبی اعظم خویش می سپارد؛ یعنی فرمان مرا تو بده. این همان تجلّی تشریعی خداست. این فرمان را به امام معصوم و ولی عصر علیه السلام نیز می دهد و آن حضرت، تجلّی تشریعی خداست و فرمان خدا به دست او داده شده؛ یعنی فرمان ما را تو بده و این حرف بسیار بزرگی است که متأسفانه جامعه ما و خود ما از این مفاهیم و معانی بلند، بسیار دور افتاده ایم و اصلاً معنای امام را درست درک نمی کنیم؛ معنای قرآن عظیم را به درستی نمی فهمیم؛ درحالی که درباره اش فرموده است:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾؛

خدای عظیم قرآن را به «عظیم» توصیف می کند و در جای دیگر نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله را هم به خُلق عظیم، وصف می فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛

حرف بزرگی است که خدای متعال بنده اش را به «خلق عظیم» توصیف می کند و این توصیف را در حق هیچ یک از انبیاء و رسل نکرده است. خلق عظیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله، بحث های بسیاری دارد که یک چشمه از آن را عرض می کنم. افرادی در کنار رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند و آن حضرت همه چیز آنها را می دانست و از دشمنی ها، خباثت ها و شرارت های شان مطلع بود؛ ولی آنچنان با اینها رفتار کرد که وضع شان در بین مردم، طوری تلقی شد که گویا هیچ خلل و خطایی از آنها سر نزده است. حضرت آنها را زیر پر می گرفت تا شاید هدایت شوند نه برای آنکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمی تواند یا مشکل و مانعی وجود دارد. نه، او رسول و هدایتگری است که مذکر است؛

﴿... قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا * رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...﴾؛

(لقد أرسلنا اليكم رسولا ذكرا يتلوا عليكم آيات الله مبينات ليخرجكم من الظلمات الى النور)؛

این است رسول. این خلقی بسیار عظیم است که ساده نیست یک عمر با دشمن خود، زندگی کنی و باز هم به او فرصت هدایت و بازگشت و توبه بدهی و این فرصت توبه را به هیچ وجه، از او نگیری. البته این یکی از چشمه های خلق عظیم آن حضرت است.

چشمه دیگر از چشمه های خلق عظیم حضرت صلی الله علیه و آله همان آیه است که می گوید:

﴿... وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...﴾؛

برای مؤمنین، آذن، خیر است. نزد حضرت می آمدند و سخن می گفتند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله که عقل مطلق و علم جامع بود، می فهمید که بسیاری از سخنان شان مزخرف و بیهوده است؛ ولی به روی طرف نمی آورد؛ اما می گفتند که او گوش است؛ یعنی هرکس هرچه می گوید، گوش می کند و نمی فهمیدند که آذن، خیر و به مصلحت آنان است که در برابر شان حرف شان را رد نمی کند تا زمینه برای هدایت و اصلاح شان فراهم آید.

چشمه های خلق رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می شود از خود قرآن و بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام و روایات دیگر به دست آورد. الآن جای بحث نیست و اگر می توانستیم درس هایی را فقط مربوط به شناخت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می داشتیم، مناسب بود. استاد می نشست و همان طور که تفسیر قرآن می گوئیم، تفسیر این گونه آیات الهی را هم بیان می کردیم؛ چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نیاز به تفسیر و تبیین دارند که بودند، چه بودند و چه می کردند و صفات شان چه بود؟

خلاصه، اینکه آیات تشریعی، دو قسمند؛ یک قسم، آیات تشریعی خود قرآن کریم است که جامع آیات تشریعی محسوب می شود؛ و یک قسم هم خود وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام هستند که آیات تشریعی اند؛ چون تشریع به معنای فرمان است و خدا به آنان حق فرمان داده؛ إِنَّ اللَّهَ فَوْضَ لِرَسُولِهِ أَمْرَ الْخَلْقِ؛ خداوند فرمان را به آن حضرت، تفویض کرده و «أولى الأمر» است. واژه «أولى الأمر» معانی بسیاری دارد. در دعای فرج می خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ»؛

شاید برترین صفتی که برای ائمه اطهار علیهم السلام می شود بیان کرد، همین است. در صلوات شعبانیه هم آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكَ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْعَامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ»؛

این معنای آن است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی و اهل بیت او علیهم السلام تجلیات آیات تشریعی خداوندند. اینکه می‌گوییم: «عَلَيْهِمُ الْحَقُّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» چرا چنین می‌شود؟ چون تجلی کامل تشریع الهی است و حق، یعنی تشریع الهی. ما دو قسم تشریع آیات الهی داریم:

➤ تشریعات آیاتی مثل قرآن عظیم؛

➤ تجلیات تشریعی آیاتی مثل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام.

و این دو نوع تجلی، متطابق باهمند؛ یعنی تجلی آیاتی قرآنی با تجلی آیات محمدی و اهل بیت علیهم السلام باهمند که می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ مَا إِنْ نَمَسَكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا وَلَنْ تَنزِلُوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»^۱ حدیث ثقلین، بیان این نوع تجلی تشریعی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله است که با قرآنند «وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ». این لن یفترقا، حرف بسیار بزرگی است. در روایتی درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»^۲؛

خلق او یعنی ملکات نفسانیه او با قرآن، کاملاً متطابق است.

با روشن شدن این تطابق، باید گفت سوره الحمد تجلی کل قرآن است و همه قرآن عظیم در این سوره الحمد، جمع شده. در این سوره چه داریم؟ همه آیات تکوینی و تشریعی خدا در آن، جمع آمده که از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تا «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» تجلیات تکوینی قرآن است و از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» تا آخره سوره هم تجلی تشریعی قرآن، محسوب می‌شود. یعنی در سوره حمد، هم تجلیات تکوینی الهی به طور فشرده، بیان شده و هم تجلیات تشریعی او. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ تجلی تکوینی خدا از آغاز خلقت تا پایان آن است و همه تجلی تکوینی عالم خلقت در این چند آیه آمده و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تا آخر سوره، همه تجلیات تشریعی خدای متعال را گرد آورده و لذا شاید علت اینکه گفته می‌شود اسم الله اعظم در سوره حمد، مقطع است، به این لحاظ باشد که همه تجلیات تامه الهی در این سوره، منتشر گردیده است؛ یعنی تجلی کامل ذات اقدس متعال - چه تجلیات تکوینی اش و چه تجلیات تشریعی اش - همه در این سوره جمع شده و لذا اسم الله اعظم، مقطع فی أم الكتاب.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۴۴۷.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۶، ص ۳۴۰؛ مرآة العقول؛ ج ۵، ص ۱۳۵.